



من شخصاً فوق لیسانس ریاضی از سوئیس هستم و پنج شهادت نامه ریاضی در پنج جهت مختلف با استادان درجه یک دارم؛ ریاضیات عمومی، محاسبات دیفرانسیل و انتگرال، آنالیز عالی، مکانیک و بالاخره احتمالات. بعد از فوق لیسانس به مدرسه عالی مخابرات فرانسه رفتم و از آنجا تصدیق گرفتم که در آن زمان مهندسی معادل دکتری شناخته می شد برای این که بعد از شش متوسطه برای رسیدن به آخر مدرسه مخابرات فرانسه می بایست هفت تا هشت سال وقت گذاشت که معادل دکتری است یا خود دکتری است.

دکتر محسن ظهیر امامی

سال ورود به دانشگاه: ۱۳۴۵

مصاحبه کننده: مهندس محمد میرزایی

تاریخ مصاحبه: ۸۴/۳/۳

دانشکده مهندسی برق



● آقای دکتر بیوگرافی مختصری از خودتان بیان کنید.

با شعر زیبای نظامی گنجوی شروع می‌کنیم، بسم الله الرحمن الرحیم هست کلید در گنج حکیم. نکته‌ای که خیلی برای من مهم است این است که در درجه اول به یاد مرحوم دکتر مجتهدی باشیم کسی که به فکر ساختن دانشگاهی در این‌جا بود. شبی در منزل دکتر منتصری بودیم و بحث وجود دانشگاهی به صورت مستقل و از روی مدل جدید پیش آمد، بنا شد موضوع را به سردمداران وقت خبر دهیم و این راه بیان‌ازیم و شروع به کار کردیم. از آلمان دکتر واحدی و سپس دکتر علی‌اکبر پیمان که دوست صمیمی من است آمده بودند این‌جا و ما به اتفاقشان یک دور رفتیم دانشکده‌های مختلف اروپا را دیدیم، برگشتیم و بحثی که شروع شد این بود که چیزی بسازیم که نو باشد.

موضوع بسیار اساسی که می‌خواستیم خدمتتان عرض کنم این است که گفتگویی که می‌خواهم شروع کنم به هیچ وجه برای پایین‌بردن یک دستگاه نیست بلکه وظیفه بنده است که نوآوری وقت دانشگاه صنعتی را برایتان بگویم؛ چه طور این دانشگاه صنعتی نوآوری کرد. ما فقط شاخص را در سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۵ دانشگاه تهران می‌دانیم، البته مدارس فنی دیگری هم بودند ولی شاخص دانشگاه تهران و امور علمی و فنی دانشکده فنی بود، به جز آن دانشسرای عالی بود که برای ما ریاضی و فیزیک را به خوبی تدریس می‌کرد، تدریس در آن دانشگاه فوق‌العاده عالی بود؛ مرحوم پروفیسور حسابی همان وقت درس می‌دادند و اساتید دیگری هم آن‌جا بودند مثلاً برای ریاضیات دکتر هشتروندی بود. جناب دکتر مجتهدی روحش شاد، خودش در دانشکده فنی تدریس می‌کرد رئیس کالج البرز هم بود و ما صحبت‌مان در این بود که نوآوری بکنیم؛ استدعا می‌کنم بیان این نوآوری‌ها را به حساب پایین‌بردن دستگاه‌های دیگر در آن وقت نگذارید. نوآوری ما این بود که دانشکده‌ای مثلاً به نام دانشکده برق درست کردیم در صورتی که در آن وقت یک دانشکده فنی با شعبه برق وجود داشت. دانشکده برق ما مستقل بود و اهمیت استقلالش در این بود که ریاضیات مورد احتیاج خودش را درس می‌داد در صورتی که اگر در شکم دانشکده دیگری بود به صورت انستیتو و یا شعبه‌ای از شعبات دانشکده فنی می‌بود، مثلاً دانشکده فنی راه و ساختمان، برق و شیمی هم داشت؛ بله یک «نفر» استاد ریاضی هم داشت ولی معلوم نبود که آن یک نفر استاد ریاضی، ریاضیات مخصوص برق را بگوید یا نگوید. ما دانشکده عمران، سپس از همه مهمتر دانشکده شیمی، بعد دانشکده فیزیک و سپس دانشکده ریاضی را در شکم یک دانشگاه درست کردیم و این فوق‌العاده مهم بود. کاری که انجام شد اسباب توسعه دانش در این مملکت شد، این دلیل نیست که آن‌چه این دانشکده‌ها بیرون دادند بالاتر از دیگران است ولی منطق وجودی دانشگاه صنعتی شریف در آن وقت یک منطق فوق‌العاده بالا بود و این را ما راه انداختیم. آن‌چه که فوق‌العاده مهم است این است که بدانیم اهمیت وجودی دانشگاه شریف در چیست و این را ما بایستی کاملاً روشن کنیم و به مردم مملکت بگوییم، البته شعبه اصفهان هم فوق‌العاده عالی است و جزء افتخارات است، بنده منکر نمی‌شوم دانشگاه



مخزن نظیر امامی

تبریز و دانشگاه کرمان بسیار زیبا ساخته شده‌اند، بوعلی در همدان بی‌نظیر است و اسباب افتخار همه است، دانشکده‌ها و دانشگاه مشهد فوق‌العاده عالی هستند ولی این کار و شروع و نوآوری از آن دانشگاه صنعتی شریف است و این را باید به منصفه ظهور در گفتار خودمان بگذاریم. شاید کسی تا به حال برایتان نگفته باشد، آن چه که ما بحث کردیم و به میدان آوردیم فوق‌العاده است، تا وقتی که دانشکده ریاضی در دانشگاه صنعتی وقت باز شد دانشکده‌ای به نام ریاضی نداشتیم، فقط دانشسرای عالی شعبه ریاضی بود، دانشکده فیزیک وجود نداشت، کما این که الآن که من خدمتان هستم با عرض معذرت تصورم بر این است که ما یک مقدار زیاده‌روی کردیم و دانشکده کامپیوتر درست کردیم در صورتی که دانشکده کامپیوتر جزئی از اجزای دانشکده برق دانشگاه صنعتی شریف است، به نظر من این دفعه یک خورده زیاد رفتیم و استدعای من از حضرت عالی این است که وجوه مختلف مطلب را کاملاً در این چهلمین سال روشن بفرمایید و اهمیت دانشگاه را به همه مردم مملکت ثابت کنید.

حالا با چه زحمتی این‌جا ساخته شده با چه بی‌پولی و بی‌چاگری، آن بماند ولی تا این‌جا و با این منطق از اهمیت دانشکده‌های مختلف این دانشگاه که حقیقتاً بسیار درخشان است دفاع بکنیم و سعی کنیم هر طور شده پیش از این و با نهایت دقت این نکته را به اطلاع همگان برسانیم و به هر صورت شده این مطلب را توسعه دهیم؛ دیگر دنیا آن دنیا نیست و قدیمی که دانشگاه شریف زیر سایه دکتر محمدعلی مجتهدی برداشت - واقعاً خدا بی‌بامرز دشت - بی‌نظیر است. ان‌شاء... به نام خدا شروع می‌کنیم دو مرتبه از سال چهل و یکم توسعه می‌دهیم و با نام خداوند و شعر سعدی عرایض را تمام می‌کنم:

صانع و پروردگار حی توانا

اول دفتر به نام ایزد دانا

● **فلسفه‌ی تشکیل دانشگاه و تفاوتش با دانشگاه‌های دیگر در آن مقطع را خوب فرمودید منتها برای قدردانی از زحمات افرادی که آن اوایل بوده‌اند و برنامه‌هایی که داشته‌اند یک اشارهای به خاطرات آن ایام بفرمایید.**

من شخصاً فوق‌لیسانس ریاضی از سوئیس هستم و پنج شهادت‌نامه ریاضی در پنج جهت مختلف با استادان درجه یک دارم؛ ریاضیات عمومی، محاسبات دیفرانسیل و انتگرال، آنالیز عالی، مکانیک و بالاخره احتمالات. بعد از فوق‌لیسانس به مدرسه عالی مخابرات فرانسه رفتم و از آن‌جا تصدیق گرفتم که در آن زمان مهندسی معادل دکتری شناخته می‌شد برای این که بعد از شش متوسطه برای رسیدن به آخر مدرسه مخابرات فرانسه می‌بایست هفت تا هشت سال وقت گذاشت که معادل دکتری است یا خود دکتری است.

موضوعی که خیلی خیلی مهم است زحماتی است که آن وقت کشیده شده است؛ بنده زیر دست شخصیتی مثل محمدعلی



محن نظهیر امامی

مجتهدی بودم، خداوند بیامرزدهش. من، ایشان، دکتر مهنا که در آب و انرژی و شیمی بود، از همه این‌ها مهم‌تر فیروز پرتوی که از MIT آمده بود و کار فیزیک می‌کرد و اندکی بعد آقای واحدی و علی‌اکبر پیمان و ... بودیم که ماها تا هفته‌ای بیست ساعت درس می‌دادیم، تصورش را نمی‌شود کرد، تمام زندگی ما وابسته به این دویست سیصد تا شاگردی بود که می‌آمدند دانشگاه، زندگی ما این بود و به جز این‌جا جای دیگری را نمی‌شناختیم. به معنای واقعی اگر بخواهم مثل خودم را بزنم که هنوز زنده هستم و راه می‌روم، وقتی می‌آیم به این خیابان و می‌رسم به در دانشگاه، تصور می‌کنم مثل یک سگی هستم که او را از خانه خودش که یک وقت از آن دفاع می‌کرد فراری داده باشند، دور و بر این زمین راه می‌روم، بو می‌کشم، ساختمان‌ها را می‌بینم و لذت می‌برم، این بزرگ‌ترین لذت من در ایران است. نکته مهمی که ما باید متوجه آن باشیم این است که افرادی که این‌جا می‌آیند سعی کنند خود را وقف دانشگاه کنند، به زمینش و حتی به هر آجر ساختمانش علاقه و عشق بورزند، اگر ما بتوانیم که می‌توانیم از این نوع اشخاص پیدا بکنیم باز هم دانشگاه را بالا و بالاتر خواهیم برد. همه برویم دنبال این موضوع که اهمیت علم به خودی خودش است فقط موضوع مادیات و پول و اسم دکتر و مهندس نیست، به خودش است به یاد بزرگانی باشیم که خودشان را در این راه از بین بردند، زحمت کشیدند؛ هر جا برویم و هر کاری بکنیم یاد محمدعلی مجتهدی را داشته باشیم، شخصیت وارسته‌ای بود، خدایش بیامرزدهش، منتصری هم همین‌طور زحمت کشیده و می‌کشد، حسینعلی انواری خدا بیامرزدهش، امین خدا بیامرزدهش، بعضی از این آقایان من به معنای واقعی عاشقشان هستم، من به معنای واقعی عاشق بهمن مهری هستم و واقعاً حس می‌کنم این انسان چه قدر کار خودش را دوست دارد، این موضوع مهم است حالا صد تا لوح تقدیر بگیرد یا نگیرد مهم نیست.

این خاطره ما بود، باید دقیقاً راهی را که دانشگاه آن وقت انتخاب کرده بود الآن ادامه دهیم و از دانشکده‌های زیاد ساختن، اسامی زیاد، همایش‌های نه چندان مفید پرهیز بکنیم؛ با پول و هر امکاناتی که به ما می‌دهند در هر قسمتی دنبال تحقیقات و پژوهش برویم.

بنده یک عکسی دارم (عکس در صفحه بعد) که این را تقدیم دکتر سهراب‌پور کردم ما روزی که دانشگاه افتتاح شد در مهرماه همه رفتیم مدرسه البرز، دم استخر مدرسه البرز یک عکس گرفتیم با مجتهدی و منتصری، دیگران هم همه ردیف ایستادند و یکی از دیگری بهتر. زحمت کشیده شده فوق‌العاده است چقدر درخت را که ما این‌جا کاشتیم هیچ چیز این‌جا نبود، زمین را چه طور گرفتیم؟ ساختمان را چه طور ساختیم؟ الله‌اکبر.

● آقای دکتر زمین را چه جور گرفتید؟

زمین را با زور گرفتیم، آن قدر به ملاقات نخست‌وزیر وقت هویدا رفتیم و تلاش و کوشش کردیم تا زمین را به ما دادند.



مخزن ظهیر امامی

این ساختمانی که الان دانشکده کامپیوتر هست اولین ساختمانی بود که ما ساختیم، آجرهایش مال همان موقع بود، امیدوارم که مرمر و چیزهای قشنگ در آن نگذاشته باشید؛ بعد ما زیر سوله این‌جا درس می‌دادیم، خلاصه عاشق بودیم، خدا نکند که آدم عاشق باشد.

● این ساختمان وسط که کلاس‌ها در آن است چندمین ساختمانی بود که ساختید؟

این ساختمان سوم است که مجتهدی بود و نام آن ابن‌سینا شد، این ساختمان که ساخت آن مربوط می‌شود به زمانی که یک مقدار جا افتاده بودیم، وقتی بود که من به دستگاه IBM در جنوب فرانسه رفتم. دیگر از دانشگاه بیرون آمدم و استعفا دادم، مدیر مخابرات سازمان برنامه و بودجه وقت و بعد هم معاون وزارت پست و تلگراف و تلفن شدم.

● پس چه سال‌هایی دانشگاه بودید؟

بنده در فاصله سال‌های شصت و هفت میلادی تا هفتاد در اروپا بودم و هفتاد آمدم به سازمان برنامه و بودجه، یک سال آن‌جا بودم تا هفتاد و یک؛ هفتاد و نه هم که انقلاب شد و من تا هشتاد در وزارتخانه بودم، چهار سال هم در دانشگاه



● دکتر ظهیر امامی به همراه اساتید هم دوره‌ای خود (نفر چهارم از راست)



بودم و عین همین موضوع برای دکتر منتصری پیش آمد چون ایشان هم بعدها استاندار کرمان شدند و رفتند. من در این مملکت سه شاهنشاه را دیدم مجتهدی، رضا، امین و ان شاء... خدا پرورسور رضا را زنده نگه دارد.

● در مدیریت کدام یک قوی تر بودند؟

ببینید منطق مدیریت دانشگاه با هر مدیریتی فرق می‌کند، آن‌چه که خیلی مهم است و باید در نظر داشت، شروع کار است که شروع کار مجتهدی فوق‌العاده بود، یک آدمی که سی سال مدیر دبیرستان بود بسیار بسیار عالی می‌توانست این دانشگاه را بچرخاند و شروع کند. آقای پرورسور رضا دانشمند بودند ولی قدرت مدیریت به آن معنا را نداشتند.

● از نظم و انضباط آقای مجتهدی خیلی تعریف می‌کنند ولی آقای امین از مدیریتش تعریف می‌کنند.

کاملاً صحیح است البته امین هم خودش به طور کلی آن مدیریت را یاد گرفته بود، امین از مجتهدی یک چیزی در حدود پانزده تا بیست سال کوچکتر بود و این را یاد گرفته بود ولی مجتهدی مردی بی‌نظیر بود.

● آقای دکتر از دانش‌جویان دوره‌های اول، دوم و سوم چه کسانی را به یاد دارید؟

آقای مهندس بیانی هست، آقای ققیه هست؛ ما معلم بودیم و از کلاس‌ها خاطره داشتیم، شاگردان را از روی ورقه‌شان می‌شناختیم و سعی می‌کردیم در نهایت دقت به آن‌ها نمره بدهیم، شاگردان باسواد برای ما یکسان بودند و هیچ ارتباطی با هیچ کس نداشتیم و این خیلی مهم است. سعی بسیار داشتیم که حتی‌المقدور منطق تدریس را نگه داریم، به اضافه تمام علاقه ما این بود که بهترین درس را ارایه دهیم، دقیقه‌ای از خواندن باز نمی‌ماندیم البته به گفته شیخ سعدی که می‌فرماید:

شنیدم که دارای فرخ سرشت به سرچشمه‌ای و به سنگی نوشت

بسی تیر و مرداد و اردیبهشت بیاید که ما خاک باشیم و خشت

ولی آن چیزی که باقی می‌ماند در حقیقت مجموع علمی یک دانشگاه است نه اشخاصی که از دانشگاه بیرون آمده‌اند، هرگز ما نمی‌گوییم دانشگاه صنعتی شریف جایی است که به انیشتین به آن‌جا رفت، رفوزه هم شد ولی می‌گوییم انیشتین آدمی بود که رفت این کار را کرد، کم‌کم اسم انیشتین هم از بین می‌رود ولی فلسفه نسبیّت باقی می‌ماند. ما باید سعی کنیم که خاطره از شخص نباشد، از زمان باشد، از منطق تاریخی و منطق اجتماعی باشد، ما با شخص کاری نداریم، با ساختمان



کاری نداریم، بنده نهایت خوشبختی‌ام از ساختمان‌های دانشگاه نیست، از چمن، از درختان چنار و درختان افراپی است که آن زمان با هزار زحمت کاشتیم و این‌ها خیلی قشنگ هست؛ نکته مهم هم همین جاست که احترام دانشگاه صنعتی شریف به همین است که دانشکده‌های قوی دارد، کم‌کم داریم به جاهای قشنگی از فرهنگ مملکت نزدیک می‌شویم علم را بالا می‌بریم نه آن کسی که صاحب علم است، حالا به حقیقت یا مجاز کاری نداریم و الآن همین اهمیت علم این مملکت است که فوق‌العاده است.

● شما رمز این که دانشگاه شریف از ابتدا تا الآن در اجتماع، چه در بین سیاسیون، چه مردم و چه طالبین علم، روزبه‌روز جایگاهش قوی‌تر و محکم‌تر می‌شود، مثلاً در مورد ورودی‌ها و خروجی‌ها روند جواری است که در کنکور هر سال بیشتر از سال قبل نفرات برتر گرایش پیدا می‌کنند که بیایند این‌جا و خروجی‌ها هم در مرتبه‌های بالا هستند، این رمزش چیست و چه اتفاقی افتاده و دارد می‌افتد که دانشگاه این موقعیت را دارد؟

رمزش همانی است که خدمتتان عرض کردم، رمز اولیه قضیه این بود که وقتی مثلاً یک فیزیکدان می‌گوید من از دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی شریف آدمم بیرون، معنایش این است که فیزیک را از اول تا آخر به معنای واقعی خوانده است، معذرت می‌خواهم نه این که رفته در یک دانشکده فنی که شعبه فیزیک داشته خوانده است. فکر کنم به جز این‌جا دانشکده ریاضی نداریم، در حال حاضر ممکن است داشته باشیم ولی به طور قطع در چهل سال پیش ما دانشکده‌ای به نام دانشکده ریاضی نداشتیم.

● آقای دکتر آن نوآوری که فرمودید اتفاق افتاده حالا بعد از سال‌ها مشابه دانشگاه شریف با این سیستم دانشکده‌ای برخی دانشگاه‌های دیگر مثل پلی‌تکنیک، علم و صنعت و ... هم دارند. این در آن دوره نوآوری بوده و اهمیت هم داشته که به عنوان مدل در جاهای دیگر گرفته شده ولی چه ویژگی‌هایی این دانشگاه داشته و دارد که موقعیت دانشگاه هر چه می‌گذرد ممتاز تر می‌شود؟

به جهت سنت قضیه است، ما وقتی می‌گوییم مثلاً مدرسه‌ی پلی‌تکنیک در فرانسه یک قیمتی دارد به جهت قدمتش در نوآوری‌هایش است، وقتی می‌گوییم امپریال کالج در لندن این طور است، وقتی می‌گوییم که MIT در آمریکا این طور است این‌ها به جهت سنتی است که دارند، به جهت همان نوآوری اولیه است که دنبالش رفتند و دلیلی ندارد که نوآوری جاهای دیگری تکرار نشود ولی یقیناً کاری که آن موقع در دانشگاه شریف انجام شد یک موضوع کاملاً نوآوری بود.



آن وقت ما یک لیسانس داشتیم، به زحمت یک فوق‌لیسانسی هم که در نطفه بود در دانشگاه تهران و برخی جاهای دیگر داشتیم، این منطق‌کاردانی، کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و بالاخره دکتری که الآن در ایران هست می‌خورد به منطق اصلی وجودی دانشگاه صنعتی وقت. اگر آن وقت می‌خواستیم بگوییم کاردانی، در دانشکده فنی می‌گفتیم کاردانی چی! یک سال دانشکده فنی! الآن دقیقاً می‌گوییم کاردانی در دانشگاه فلان و دانشکده مثلاً برق و این خیلی مهم است و این تقسیم‌بندی کنونی زاییده همان تصور و توسعه آن وقت بود. از همه مهم‌تر این است که این کیفیت و این وضعیت را نگه دارید؛ بهترین درس‌ها، پیشرفته‌ترین نوع درس و منطق درسی را در این دانشگاه پیاده کنید و از نوآوری با این که چیز گرانی است نترسید.

● آقای دکتر اساتیدی که در راه‌اندازی دانشکده‌ها فعالیت داشتند چه کسانی بودند؟

آقای دکتر محنا در درجه اول دانشکده شیمی را راه انداخت که خیلی مهم است، آقای دکتر منتصری و سپس دکتر مهری سرور بنده در دانشکده ریاضی، جناب دکتر فیروز پرتوی در دانشکده فیزیک و بنده خودم برای منطق دانشکده برق بودم. چهل سال پیش دانشکده فیزیک نداشتیم، دانشکده ریاضی نداشتیم البته شعبه مهندسی برق «جریان قوی و ضعیف» در داخل دانشکده فنی بود که خود دانشکده فنی در داخل دانشگاه تهران قرار داشت. روی این مسأله تأکید می‌کنم که تأسیس دانشکده‌هایی با منطق و با مفهوم جدید و نوین در چهل سال پیش در دانشگاه صنعتی وقت انجام شد و زنده باد تمام استادان وقت!